

بررسی تفاوت دیدگاه کارشناسان و جوامع محلی پیرامون بهره‌برداری از محصولات فرعی مراتع (مطالعه موردی: مراتع آزادشهر و گنبد)

محمد رحیم فروزه^{۱*} و سیده زهره میردیلمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

چکیده

در زمینه بهره‌برداری و مدیریت استفاده از منابع طبیعی می‌توان دو گروه بهره‌برداران و دستگاه‌های مرتبط و متولی منابع طبیعی را از یکدیگر تفکیک نمود. بدیهی است که هر کدام از این دو گروه اجتماعی، بسته به منافع و وظایف خود، دیدگاه، نظرات و برداشت خاصی از این منابع و طرح‌های تدوین شده در جهت مدیریت این منابع دارند. یافتن نقاط افتراق نظرات گروه‌های مختلف پاسخگو در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌تواند مؤثر باشد. در این تحقیق دیدگاه دو گروه بهره‌برداران و کارشناسان اجرا، مدیران و تسهیل‌گران در مراتع آزادشهر و گنبد استان گلستان در مورد دلایل پذیرش اندک طرح‌های چندمنظوره بررسی شده است. داده‌های لازم از طریق پرسشنامه و مصاحبه باز (مرکب از ۶ شاخص و ۹۰ گویه) با اعضای هر یک از دو گروه مذکور به‌دست آمده است. نتایج پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های انجام شده با استفاده از تحلیل تشخیصی در محیط نرم‌افزار آماری STATISTICA تجزیه و تحلیل شد. بررسی دیدگاه گروه‌های ذی‌نفع نشان می‌دهد بهره‌برداران اختلاف دیدگاهی در حدود ۵۰/۱۲ درصد را با گروه کارشناسان بخش‌های اجرایی و مدیران دارند که عمده آنها بر سر مسائل نهادی سیاستی، اجتماعی و اقتصادی است. کمترین اختلاف نظر در مسائل زیست‌محیطی از جمله کمبود آب (۱۲/۰۶ درصد) و شاخص‌های انسانی از جمله سواد و بعد خانوار (۱۲/۱۴ درصد) و بیشترین اختلاف بر سر مسائل نهادی سیاستی از جمله خدمات‌دهی نامناسب دولت، عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و محلی، نبود عوامل پیشران و غیره (۶۵/۳۲ درصد) است. با توجه به نتایج به‌دست آمده توصیه می‌شود کلاس‌های آموزشی-توجیهی حسب نیاز بهره‌برداران برگزار شود و سازوکار اجرایی شدن طرح‌های چندمنظوره توسط تسهیل‌گران بهره‌برداران آموزش داده شده و مسیر اجرای طرح تسهیل شود.

واژه‌های کلیدی: بهره‌برداران، تحلیل تشخیصی، طرح چندمنظوره، استان گلستان.

^۱ - استادیار گروه مرتعداری، دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

* نویسنده مسئول: forouzeh@gau.ac.ir

^۲ - دکتری علوم مرتع، گروه مرتعداری، دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

مقدمه

به طور کلی کلیه محصولات و بهره‌برداری‌هایی که به غیر از محصول علوفه و چرای دام از مرتع باشد، در ردیف محصولات فرعی قرار گرفته و در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. اینکه علوفه مرتع به عنوان محصول اصلی و سایر محصولات به عنوان محصول فرعی در نظر گرفته می‌شوند از یک طرف بستگی به سابقه تاریخی چرا از اکوسیستم‌های مرتعی داشته و از طرف دیگر بستگی به نگاه انسان به طبیعت دارد. به این لحاظ با توجه به رشد و توسعه فرهنگی جوامع بشری و همچنین تغییر در الگوی مصرف، به تدریج این نحوه نگرش به اکوسیستم مرتعی و طبقه‌بندی مرسوم اصلاح شده و برخی از محصولات فرعی هم در نگرش جدید جزو محصولات اساسی و اصلی منظور شده است. بهره‌برداری از مراتع به منظور تولید علوفه دام به اقتصاد تک محصولی شبیه بوده که اقتصادی شکننده است. بهره‌برداری چندمنظوره از پوشش گیاهی البته به صورت علمی و اصولی باعث کاهش فشار چرای دام بر مراتع شده و به شرط اینکه فعالیت‌ها توأماً انجام پذیرفته نه اینکه یکی باعث تعطیلی دیگری شود، گامی موثر در جهت مدیریت پایدار مراتع محسوب می‌شود. یافتن پتانسیل‌های دیگر در بهره‌برداری با ایجاد فرصت‌های مکمل شغلی و کاری یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های موفقیت بهره‌برداری و مدیریت پایدار است که در طرح‌های مرتعداری می‌بایست مدنظر سیاستگذاران قرار گیرد. استفاده چندمنظوره از مراتع یکی از روش‌های تقویت معیشت بهره‌برداران مراتع با تکیه بر سایر پتانسیل‌ها مانند گردشگری، گیاهان دارویی، زنبورداری و غیره است. استفاده‌های چندمنظوره از مراتع در قالب طرح‌های مرتعداری تلفیقی در حال بازنگری و اجرا توسط بهره‌برداران هستند. در اجرای طرح‌های مرتعداری چندمنظوره و صرفاً به جای استفاده صرف از علوفه مراتع برای دام‌ها، به بهره‌برداری از گیاهان دارویی، زراعت چوب در مرتع، تولید علوفه نیز توجه می‌شود. استفاده چندمنظوره یا استفاده ترکیبی، زمانی اتفاق می‌افتد که دو یا تعداد استفاده بیشتری از یک منطقه صورت بگیرد. استفاده چندمنظوره برای اولین بار در دهه ۱۹۰۰ در کشور آمریکا پایه‌گذاری شد و یکی از راه‌حل‌های مختلف در ششمین کنگره بین‌المللی مرتعداری برای مبارزه با مشکلات مراتع

است (۱۳). بهره‌برداری چندمنظوره از پوشش گیاهی، از سیر قهقرای مرتع و فرسایش و نابودی خاک جلوگیری کرده و حفاظت از محیط زیست را به دنبال خواهد داشت. فواید استفاده چندمنظوره از مرتع و انواع کاربری اصولی توسط بهره‌برداران بدین شرح است (۷): ۱- برای رسیدن به واحدهای اقتصادی، ۲- افزایش درآمد دامدار و استفاده کننده‌گان از مراتع، ۳- ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت نیروهای جوان به سمت شهرها و قرار گرفتن در مشاغل کاذب، ۴- کاهش فشار بر مراتع و جلوگیری از تخریب، ۵- حفظ و احیاء پوشش گیاهی (۱).

طرح‌های مرتعداری از ابزارهای اصلی مدیریت و بهره‌برداری از مراتع در ایران در جهت تقویت مراتع و کاهش تخریب این منابع خدادادی است (۴۰). این طرح‌ها به عنوان مهم‌ترین برنامه‌های مدیریتی اجرایی در سال ۱۳۷۰ با شتاب بیشتری شروع شد که در تهیه آنها به ویژگی‌های بوم‌شناسی منطقه از یک سو و به مسائل اجتماعی بهره‌برداران از سوی دیگر اهمیت داده می‌شود (۴۱). بدیهی است طرح‌های مذکور بخش قابل توجهی از بودجه بخش منابع طبیعی را در سطح کلان کشوری به خود اختصاص می‌دهند و ارزیابی صحیح آنها سبب صرفه‌جویی در هزینه‌ها و افزایش بازدهی آنها خواهد شد (۳۰). به دلیل اهمیت زیست محیطی این منابع، وابستگی معیشت جمعیت کثیری از خانوارهای روستایی به آنها و سرمایه‌گذاری دولت در اجرای این طرح‌ها، ارزیابی آنها ضرورتی انکارناپذیر است (۲۴). آنچه در خصوص اثرات طرح‌های مرتعداری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است اثرات اقتصادی (درآمد مرتعداران، معیشت بهره‌برداران و...) و توجیه‌پذیری اقتصادی اینگونه طرح‌ها است که چند سال اخیر بازنگری طرح‌های مرتعداری در قالب شرح خدمات چندمنظوره انجام می‌شود.

مطالعات نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از طرح‌های مرتعداری اجرا شده در وضعیت عالی تا خوب قرار دارد (۱۲) و ۷۰ درصد تنها از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر (۵۰ و ۴۸) و با اثرگذاری مثبت هستند (۳). طبق بررسی‌های آریاپور و همکاران (۲۰۱۶)، نتایج پهماسیبیان و همکاران (۲۰۱۴) درخصوص بررسی موانع مشارکت مرتعداری در اجرای طرح‌های مرتعداری شهرستان ملکشاهی نشان داد که موانع مدیریتی، اقتصادی، اطلاعاتی و ارتباطی، آموزشی

و ترویجی، فرهنگی و روانشناختی تأثیرات مهمی بر عدم اجرای طرح دارند؛ همچنین نتایج تحقیقات موسوی نژاد (۱۹۹۷) در استان سمنان، قائمی (۲۰۰۳) در منطقه سرهلان سلماس، رحیمی سوره و صادقی (۲۰۰۵) در ۸۶ طرح مرتعداری در سه استان خراسان، یزد و آذربایجان غربی، نتایج تحقیقات خاکساری (۲۰۱۰) در منطقه نیمه خشک میانرود واقع در شهرستان تویسرکان و افتخاری (۲۰۱۱) در مراتع استپی و نیمه‌استپی ساوه و زرنديه استان مرکزی نشان‌دهنده تأثیر اجرای طرح‌های مرتعداری بر افزایش پوشش، تولید و بهبود ترکیب به نفع گونه‌های خوشخوراک بوده است. آنان کنترل تعداد دام و عملیات اصلاحی و احیائی صحیح را دلیل این تأثیر دانستند. این در حالی است که سرداری (۱۹۹۹) در مراتع استان چهارمحال و بختیاری و کریمیان و همکاران (۲۰۰۸) در استان مرکزی و در استان سمنان هیچگونه اختلاف معنی داری بین تولید مراتع دارای طرح و بدون طرح مشاهده نکردند. آنان دلایل آنرا عدم موفقیت در کنترل فشار چرا و عدم اجرای پروژه‌های اصلاحی به دلیل نبود نظارت کافی، کمبود اعتبارات و امکانات و عدم آگاهی کافی مرتعداران دانستند. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت طرح‌های مرتعداری، مشارکت نهادهای محلی، اخذ نظر بهره‌برداران در زمان تهیه طرح و استفاده از دانش بومی و تجربه آنها (۸)، افزایش آگاهی از طرح‌های مرتعداری، سطح تحصیلات، سابقه مرتعداری و کیفیت مراتع (۳۱) عنوان گردیده است؛ همچنین سن، نوع اشتغال و درآمد سالیانه رابطه معنی داری با میزان همکاری بهره‌برداران در اجرای مفاد طرح‌ها و موفقیت آنها دارد (۲۰ و ۲۸). متوسط وزنی کشور در میزان مشارکت مجریان در اجرای طرح‌های مرتعداری ۵۶ درصد است (۴). ارزیابی طرح‌های مرتعداری در مدت ۱۰ سال گذشته نشان داده است که وضعیت مرتع حدود یک طبقه ارتقا یافته است (۳۱). با اینحال، گاه‌ها ارزیابی‌ها عدم موفقیت پروژه‌ها و طرح‌ها را نشان داده است (۴۳ و ۳۵).

ارزیابی انجام شده توسط دفتر فنی مرتع، برخی از علل عدم اجرا و نیز توقف در اجرای طرح‌های مرتعداری در کشور را به دلیل مواردی از جمله عدم تمایل مجری به اجرای طرح، طراحی صحیح، هماهنگی و اعمال نظر مجریان در

طرح و تطابق برنامه‌ها با واقعیت‌های عرصه دانسته است (۹) و (۲). نتایج تحقیقات کامرانی و همکاران (۲۰۱۸) در مراتع گزنک آمل نشان داد که انتخاب روش‌های مرتعداری تعادلی و طبیعی برای مراتع با وضعیت خوب و متوسط، تأثیر معنی‌داری بر پوشش تاجی کل مراتع داشته اما موجب ارتقا درجه وضعیت مراتع و یا افزایش معنی‌دار درصد پوشش و درصد ترکیب گونه‌های مهم خوشخوراک مراتع نشده است. ایشان علت آن را اجرای ناموفق برنامه‌های پیش‌بینی شده در طرح‌های مرتعداری دانستند. جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مردم و دانش بومی آنها از مهم‌ترین مسائلی هستند که به نظر می‌رسد لازم است در تهیه طرح‌های مرتعداری به آنها توجه کافی شود (۶). کوئین^۱ و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که اگر دولت هیچ‌گونه نظرخواهی از بهره‌برداران در زمینه طراحی و اجرای طرح‌های مرتعداری نداشته باشد و در انجام طرح‌های مرتعداری نظارت و پیگیری لازم را انجام ندهد، بهره‌برداران انگیزه لازم را برای مشارکت نخواهد داشت. در اجرا و پیشبرد اهداف طرح‌های کارشناسان به عنوان ناظران بر این طرح‌ها حائز اهمیت هستند. به علاوه دیدگاه بهره‌برداران به عنوان عنصر تأثیرگذار و تأثیرپذیر از طبیعت و طرح‌ها بسیار مهم است، زیرا ارزیابی اقدامات مرتعداری و بررسی دیدگاه بهره‌برداران و میزان رضایت آنها نه تنها موجب مشخص شدن نقاط قوت و ضعف طرح‌ها می‌گردد بلکه موجب بهبود کیفیت آنها در برنامه‌های آتی می‌گردد (۴۶).

هانتسینگر و هاپکینسون^۲ (۱۹۹۶) معتقدند در بهره‌برداری و مدیریت مراتع باید هم به ویژگی‌های بوم‌شناسی و هم به مسائل اجتماعی مراتع توجه شود. ارزانی و همکاران (۲۰۱۶) نیز اذعان می‌دارند که به منظور بهره‌وری درست و مناسب از مراتع، نیاز به اصلاح شرح خدمات طرح‌های مرتع داری رایج و ارائه طرح‌های مرتعداری جدید مبتنی بر شرایط اقلیمی و خشکسالی حاکم بر عرصه‌های مرتعی و در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی حال حاضر کشور دارد. در این راستا و به منظور اقتصادی کردن مرتعداری، لازم است برخلاف پیچیدگی‌های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی موجود در مسیر اجراء دامداران خرده پا را تشویق به تغییر معیشت و

1- Quinn

2- Hunt singer & Hopkinson

تغییر نگرش نسبت به نقش عامل انسانی مشارکت و توانمندسازی او در راه نیل به توسعه پایدار و همچنین وجود مشکلات و مسائلی در عرصه‌های منابع طبیعی کشور موجب ارائه الگوهای جدید مدیریت علمی در مقابل شیوه بهره‌برداری سنتی در این عرصه‌ها شده است. یکی از این سیاست‌ها تدوین طرح‌های چندمنظوره و واگذاری این طرح‌ها به بهره‌برداران این گونه عرصه‌هاست (۵). کاهش تعدد جمعیت دامدار که دام مازاد بر توان مراتع را به دنبال دارد، همواره مورد توجه متولیان مدیریت مراتع کشور بوده است، یکی از راهکارها جهت نیل به این هدف یک برنامه‌ریزی میان مدت و اصولی در جهت حذف دامداران خرده پا با رعایت و انتقال حقوق عرفی آنها بوده است. این سیاست از طریق تغییر معیشت دامداران خرده پای مراتع از طریق استفاده از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل غیر علوفه‌ای می‌تواند تا حد زیادی میسر شود. اما این طرح‌ها یا به ندرت مورد پذیرش بهره‌برداران واقع شده و یا روندی کند در پذیرش را به دنبال دارد.

در زمینه بهره‌برداری و مدیریت استفاده از منابع طبیعی می‌توان دو گروه اجتماعی را از یکدیگر تفکیک نمود. در یک سو بهره‌برداران و استفاده‌کنندگان از منابع طبیعی قرار دارند که زندگی و معاش آنها کم و بیش و به نسبت‌های متفاوت به این منابع وابسته بوده و بسته به نیاز و ضرورت‌های زندگی خود با شدت‌های مختلف از این منابع استفاده می‌کنند. در سوی دیگر دستگاه‌های مرتبط و متولی منابع طبیعی به نمایندگی از طرف دولت قرار دارند که با توجه به تطابق ماهیت منابع طبیعی با موضوع انفال، وظیفه و تکلیف حفظ منافع عام و دولت را بر عهده دارند. بدیهی است که هر کدام از این دو گروه اجتماعی، بسته به منافع و وظایف خود، دیدگاه، نظرات و برداشت خاصی از این منابع و طرح‌های تدوین شده در جهت مدیریت این منابع دارند. این مقوله تا حدی می‌تواند موجب بروز تفاوت در بیان عوامل ایجاد وضعیت کنونی یا به عبارت دیگر عوامل موثر در دلایل عدم پذیرش یا روند کند پذیرش طرح‌های چندمنظوره از دید هر یک از آنها شود. هدف این تحقیق، نشان دادن تفاوت‌های موجود بین نظرات دو گروه یاد شده یعنی بهره‌برداران و کارشناسان دست‌اندرکار مراتع است.

زمینه اشتغال آنان را در دیگر حرفه‌های مرتبط با مرتع، فراهم کرد. جهت نیل به این هدف و مدیریت بهتر عرصه‌ها، باید به دیگر خدمات و جنبه‌های استفاده از مرتع (استفاده چندمنظوره)، همچنین فناوری‌های قابل استفاده، توجه ویژه‌ای داشت.

بهره‌برداری عمده از مراتع ایران، چرای دام بوده، در حالیکه مراتع افزون بر تولیدات دامی، دارای فوایدی همچون تولید گیاهان صنعتی، خوراکی، تولید گیاهان مولد شهد و گرده، ایجاد مناطق گردشگری و اکوتوریسم، حفاظت خاک، حیات وحش، شکار، ذخیره و تولید آب و ترسیب کربن هستند. نگاه تک بعدی به اکوسیستم‌های مرتعی از منظر تولید علوفه طی دهه‌های اخیر سبب تخریب عرصه‌ها و کاهش توان مراتع برای استفاده‌های مستقیم مانند تولید علوفه شده است (۱۴).

لی نام و اسمیت^۱ (۲۰۰۳) مسائل انسانی را مهمتر از مسائل بوم‌شناسی در بهره‌برداری و مدیریت مرتع بر می‌شمارند. ناتان^۲ (۲۰۰۴) معتقد است استفاده و مدیریت مراتع شامل مدیریت هر دو بعد بوم‌شناسی و اجتماعی است و تلفیق این دو بعد حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع را تضمین می‌کند. نتایج مطالعه خلیق و قاسمی (۲۰۰۳) در بررسی میزان رضایت و همکاری دامداران در طرح‌های مرتعداری گنبد، علی‌آباد و گرگان گویای آن است که میزان آگاهی دامداران از اهداف طرح‌های مرتعداری باعث رعایت فصل چرا، قرق، بوته کاری و تعدیل دام خواهد شد و این موضوع با توجه به وضعیت متوسط تا ضعیف مراتع مورد بررسی بسیار حائز اهمیت است (۱۹). بررسی‌های حیدری و همکاران (۲۰۰۹) در تحلیل همبستگی بین وضعیت مرتع و میزان همکاری بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری نشان داد که بین وضعیت مرتع هر سامان عرفی با میزان مشارکت مجریان آن رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و میزان همکاری مجریان در اجرای طرح‌های مرتعداری بر حسب درجات وضعیت مرتع تفاوت معنی‌داری با هم دارند و بیشترین میزان مشارکت مجریان مربوط به سامان‌هایی است که مراتع در آنها دارای درجه وضعیت خوب بوده است (۴۹).

¹- Lynam & Smith

²- Nathan

مواد و روش

معرفی منطقه

این مطالعه در مراتع بیلاقی آزادشهر (جنوب شرق استان گلستان) و مراتع قشلاقی گنبد (شرق و جنوب شرق استان گلستان) با حداقل ارتفاع ۱۵۰ متر و حداکثر ارتفاع ۲۵۰۰ متر صورت گرفت. بیشترین تعداد بهره‌بردار در مراتع شهرستان گنبد با تعداد ۶۹ بهره‌بردار است که از مراتع قشلاقی بهره‌برداری می‌کنند. کمترین تعداد بهره‌بردار (با تعداد ۴ بهره‌بردار) در مراتع آزادشهر پراکنده‌اند که عمدتاً از مراتع بیلاقی بهره‌برداری می‌کنند (۴۰) (جدول ۱). متوسط سطح مرتع هر خانوار از ۲۰۰ تا ۱۲۰ هکتار متغیر است.

جدول ۱: طبقه‌بندی مراتع آزادشهر و گنبد بر اساس تعداد

تعداد خانوار	گنبد	آزادشهر
≤۵	۱۴	۰
۱۰-۶	۷	۰
۲۰-۱۱	۱۶	۰
۵۰-۲۱	۲۷	۳
>۵۰	۵	۱
جمع	۶۹	۴

اقوام مختلف فارس و ترکمن از مراتع منطقه به شیوه‌های مختلف مشاعی و افزاری بهره‌برداری می‌کنند. عمده بهره‌برداران مراتع، روستایی هستند. شرایط بوم‌شناختی در منطقه مورد مطالعه از تنوع زیاد برخوردار است. این تنوع، سبب پیدایش انواع متفاوتی از شرایط رویشگاهی است. از نظر پستی و بلندی مشتمل بر سه بخش اصلی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است و پراکنش اقلیمی مناسبی دارد. به نظر می‌رسد این دو منطقه بعنوان نمونه‌ای از استان، به خوبی با مسائل و مشکلات موجود در سطح استان از جمله معیشت ناپایدار، ضعف اقتصادی

مرتعداران، مشاع بودن بهره‌برداری از مراتع، کم بودن فرهنگ تعاون و همیاری بین مرتعداران مراتع، عدم بهره‌برداری صحیح از محصولات فرعی مراتع، عدم استقبال از طرح‌های چندمنظوره و غیره مواجه می‌باشند. لذا این دو منطقه، می‌توانند به عنوان نمونه از لحاظ بررسی مشکلات و تعمیم به کل، مناسب باشند. مراتع محدوده مورد مطالعه دارای بارندگی حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلی‌متر، اقلیم خشک تا نیمه خشک و بافت خاک متوسط سیلنتی لوم تا کمی سنگین سیلنتی کلی لوم است. مراتع فوق شامل دو تیپ گیاهی *Hordeum glaucum- Geranium locidum- (I)* و *Medicago polymorpha* و تیپ *Artemisia seiberi- (II)* می‌باشد. بهره‌برداری از مراتع عمدتاً به روش دامداری روستایی و دام چراکننده از مرتع، عمدتاً گوسفند است. محدوده‌ی مورد مطالعه ۷۵ سامان عرفی دارد که ۶۰ مورد طرح مرتعداری از سال ۱۳۷۱ تا کنون اجرا شده است.

جمع‌آوری داده

برای انجام تحقیق حاضر، ابتدا اقدام به انتخاب جامعه‌ی نمونه‌ی آماری پاسخگو از بین ذی‌نفعان^۱ (دست اندرکاران آگاه به مراتع) شده است. این جامعه مرکب از بهره‌برداران مراتع (که عمدتاً شامل بهره‌برداران ذیحق^۲ و بهره‌برداران غیرذیحق) و کارشناسان بخش مرتع به نمایندگی از نظام اداری و تسهیل‌گران است. انتخاب بهره‌برداران مبتنی بر رویکرد شهرت^۳ و نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت (۵۱). برای انتخاب کارشناسان اجرا و مدیران و تسهیل‌گران از معیارهایی مانند سابقه‌ی کار و میزان تحصیلات استفاده شد. در مجموع تعداد ۹۵ پرسشنامه (به ترتیب ۱۵ و ۸۰ پرسشنامه برای گروه بهره‌برداران و کارشناسان) جمع‌آوری شد.

در این تحقیق روایی محتوای پرسشنامه با نظرات تخصصی کارشناسان اجرا، مدیران و به ویژه بهره‌برداران عرصه‌های مرتعی بررسی گردید و میزان اعتبار آنها از طریق

^۲ ذیحق یا غیر ذیحق بودن دامداران با توجه به پروانه چرا، طرح مرتعداری و عضویت در شرکت‌های تعاونی قابل تشخیص است. دامداران ذیحق دارای پروانه چرا و یا طرح مرتعداری و یا عضو شرکت تعاونی هستند. تشخیص ذیحق و غیر ذیحق بودن دامداران طی ممیزی مرتع صورت می‌گیرد.

^۳ Reputation analysis

^۱ ذی‌نفع یا ذی‌مدخل یک فرد یا گروهی است که می‌تواند در موفقیت و یا شکست پروژه که در آن نقش دارند، تأثیرگذار و یا تأثیر بپذیرد. لازم به ذکر است در تحقیق حاضر، افراد ذی‌نفع یا ذی‌مدخل، افرادی هستند که به نوعی در اجزاء نظام مرتعداری دخالت دارند و با مرتع و عوامل مؤثر بر آن آشنایی کامل دارند.

هدف تحلیل تشخیصی، کلاسه‌بندی/گروه‌بندی متغیرها (افراد، مشتری‌ها، اشیاء و غیره) به دو گروه یا بیشتر بر اساس مجموعه‌ای از خصوصیات است که آن متغیر را توصیف می‌کنند. تحلیل تشخیصی زمانی استفاده می‌شود که عضویت متغیرها معلوم (طبقه‌بندی معین شده) باشد. در این صورت، یک متغیر بر اساس مشاهداتی که از آن بدست می‌آید، به گروه‌های از پیش تعیین شده تخصیص داده می‌شود (۱۷). آنالیز تشخیصی به واسطه افزایش قدرت تشخیص در میان متغیرها (در تحقیق حاضر، متغیرها همان افراد هستند) در مقایسه با تخمین اختلاف درون افراد قادر است تأثیرات میان افراد را از درون جمعیتی تمیز دهد (۴۵)، بدین منظور آماره فاصله ماهالانوبیس، به عنوان یک شاخص تفاوت در میان افراد محاسبه شد (۳۲).

ارزیابی مدل یا تابع آنالیز تشخیصی

برای آزمون کارایی تابع تشخیصی در ایجاد تفاوت‌های معنی‌دار بین گروه‌ها، از آماره‌ای به نام ویلکس لامبدا^۲ استفاده شد (۵۵). لامبدا ویلکس عبارت است از نسبتی از واریانس و کوواریانس کل در نمرات متغیرهای مستقل که براساس تفاوت بین گروه‌ها قابل تبیین نیست. هر چه میزان لامبدا کوچک‌تر باشد، نشان دهنده وجود تفاوت بین گروه‌ها است.

نتایج

نتایج حاصل از تفاوت دیدگاه‌ها بر اساس معیارهای ارزیابی عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره در زیر آورده شده است:

الف- معیار اقتصادی

میزان اختلاف نظر دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو از نظر معیار اقتصادی با محاسبه مربع فاصله ماهالونوبیس در جدول (۲) نشان داده شده است. نتایج حاکی از آن است که بهره‌برداران در این موضوع اختلاف نظر ۳۲/۵۶ درصدی دارند. بین جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ عوامل/مشکلات سطح امنیت شغلی ضعیف در طرح‌های چندمنظوره (تداوم مشاغل مکمل برای سالیان متمادی در بازه زمانی برنامه‌ریزی شده که معمولاً ده ساله است)، سطح

محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای معیارهای مختلف محاسبه و تعیین شد. نتایج نشان‌دهنده آن است که سؤالات طراحی شده در بخش‌های مختلف پرسشنامه قابل اعتماد هستند (آلفای کرونباخ اغلب بالای ۷۸ درصد برآورد گردید).

برای طراحی پرسشنامه از شش معیار اقتصادی (۲۱) گویه شامل عدم رضایت شغلی بهره‌برداران از مرتعداری و طرح‌های چندمنظوره، سطح امنیت شغلی ضعیف (تداوم) در طرح‌های چندمنظوره، هزینه بالای اجرای طرح‌های چندمنظوره و غیره، زیست محیطی (۱۱) گویه شامل نسبت بالای جمعیت دام مازاد در سامان عرفی، توقف طولانی مدت دام در مرتع، درصد زیاد خاک لخت، درصد کم لاشبرگ و غیره، اجتماعی (۲۱) گویه شامل عدم تعامل با خانوارهای هم سامان و سامان‌های عرفی مجاور، مشارکت کم در امور خانوادگی، مسئولیت‌پذیری کم در بین اعضای سامان و غیره، سیاستی-نهادی (۱۵) گویه شامل برقراری ضعیف ارتباط بین نهادها برای اخذ تسهیلات، تشکیلات موازی، بروکراسی شدید اداری و غیره، انسانی (۱۱) گویه شامل نسبت جنسی نامناسب، نسبت بالای بعد خانوار، درصد بالای افراد سیگاری و غیره) و فیزیکی (۱۱) گویه شامل درصد کم برخورداری از تسهیلات و امکانات بهداشتی، دسترسی ناکافی به برق در مرتع، درصد کم استفاده از انرژی‌های نو و غیره) استفاده گردید. برای رتبه‌دهی مشکلات پیش روی طرح‌های چندمنظوره، مشکلات به عنوان گویه مطرح شد. با مطرح کردن گویه‌ها از طریق مصاحبه‌های باز؛ میزان اهمیت هر گویه از نظر هر معیار، در عدم پذیرش مورد سنجش قرار گرفت. میزان اهمیت مشکلات (گویه‌ها) در عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره، توسط جامعه ذی‌نفع با استفاده از طیف ۹ گزینه‌ای لیکرت با اعداد ۱، ۳، ۵، ۷ و ۹ (از یک با نقش کمتر تا نه با نقش بیشتر در پذیرش طرح‌های چندمنظوره) رتبه‌بندی شدند.

مرحله نهایی - تجزیه و تحلیل

با توجه به رتبه‌های به‌دست آمده از هر فرد در تمامی جوامع نمونه آماری، میزان عدم همپوشی نظرات گروه‌های مختلف ذی‌نفع در مراتع با استفاده از آنالیز تشخیصی^۱ در نرم‌افزار STATISTICA محاسبه شد.

¹- Discriminant Analysis (DA)

²- Wilx Lambda

علاقه‌مندی به بهره‌برداری مشاعی در عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۲). به نوعی علت تفاوت دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو را باید در عوامل فوق جستجو کرد.

جدول ۲: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار اقتصادی

مشکلات	شاخص لاندویلکس	آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی داری
عدم رضایت شغلی بهره‌برداران از مرتعداری و طرح‌های چندمنظوره	۰/۱۰۳	۲۲/۵۲	۰/۰۶۰
سطح امنیت شغلی ضعیف (تداوم) در طرح‌های چندمنظوره	۰/۰۹۶	۱۷/۱۱	۰/۰۰۰
اقتصادی نبودن طرح‌های چندمنظوره توسط هر خانوار	۰/۱۳۷	۴۹/۰۲	۰/۰۵۵
هزینه بالای اجرای طرح‌های چندمنظوره	۰/۰۷۷	۲/۲۳	۰/۰۸۶
سطح علاقه‌مندی به بهره‌برداری مشاعی	۰/۰۷۶	۲/۰۱	۰/۰۰۳

ب- معیار زیست محیطی

نتایج حاصل از بررسی میزان اختلاف نظر دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو حاکی از آن است که بهره‌برداران با گروه کارشناسان اجراء، مدیران و تسهیل‌گران ۱۲/۰۶ درصد اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ در مورد عوامل نسبت بالای جمعیت دام مازاد در سامان عرفی و توقف طولانی مدت دام در مرتع دارند (جدول ۳).

جدول ۳: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار بوم‌شناختی

مشکلات	شاخص لاندویلکس	آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی داری
منابع آب کم	۰/۰۵۱	۰/۹۷۸	۰/۶۹۳
نسبت بالای جمعیت دام مازاد در سامان عرفی	۰/۰۵۵	۰/۹۱۳	۰/۰۰۱
توقف طولانی مدت دام در مرتع	۰/۰۵۹	۰/۸۵۰	۰/۰۰۰

ج- معیار اجتماعی

نتایج حاکی از آن است که بهره‌برداران اختلاف دیدگاهی ۲۳/۱۴ درصدی با کارشناسان اجراء، مدیران و تسهیل‌گران دارند. بین جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ عوامل نارضایتی از فعالیت چندمنظوره، نارضایتی از ادارات دولتی مرتبط و مسئولان مربوطه، سطح پائین تعاون و همیاری در سامان و سطح پائین دسترسی به امکانات رفاهی در عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره توسط بهره‌برداران اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار اجتماعی

مشکلات	شاخص لاندویلکس	آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی داری
تعارض فرهنگی بین توریست‌ها و جامعه محلی	۰/۰۸۱	۰/۶۵۳	۰/۰۸۹
عدم تعامل با خانوارهای هم سامان و سامانهای عرفی مجاور	۰/۰۵۶	۰/۹۵۶	۰/۰۵۳
نارضایتی از فعالیت چندمنظوره	۰/۰۵۶	۰/۹۴۳	۰/۰۱۹
نارضایتی از ادارات دولتی مرتبط و مسئولان مربوطه	۰/۰۶۶	۰/۸۰۴	۰/۰۰۰
سطح پائین تعاون و همیاری در سامان	۰/۰۷۳	۰/۷۳۶	۰/۰۰۰
سطح پائین مشارکت در امور اصلاحی مرتع	۰/۰۵۰	۰/۹۲۳	۰/۰۷۳

د- معیار انسانی

بر مبنای شاخص فاصله‌ی ماهالونوبیس در مقایسه نظرات گروه‌های مختلف پاسخگو، نتایج حاکی از آن است که بهره‌برداران حدود ۱۲/۱۴ درصد اختلاف دیدگاهی را با گروه کارشناسان اجراء، مدیران و تسهیل‌گران دارند. بین

جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ عوامل/ مشکلات اختلاف نظر معنی‌دار وجود ندارد (جدول ۵).

جدول ۶: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار سیاستی نهادی

مشکلات	شاخص لاتیناویلکس آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی داری
رضایت ناکافی از خدمات	۰/۰۵۵	۰/۹۱۳
رضایت ناکافی از خدمات	۰/۰۵۹	۰/۰۱۷

جدول ۵: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار سیاستی نهادی

مشکلات	شاخص	آماره F	سطح معنی
وجود اندک معلم و امکانات پائین	۰/۰۶۴	۰/۷۲۶	۰/۰۷۵
نسبت کم افراد دارای سواد	۰/۰۷۵	۰/۶۱۶	۰/۱۰۰
متوسط بالای بعد خانوار	۰/۰۸۹	۰/۹۵۰	۰/۱۱۷

و- معیار نهادی - سیاستی

مقایسه نظرات جوامع مختلف پاسخگو از نظر معیار نهادی-سیاستی نشان داد که بهره‌برداران حدود ۶۵/۳۲ درصد اختلاف دیدگاهی را با گروه کارشناسان اجراء مدیران و تسهیل‌گران دارند. بین جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ عوامل عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و محلی، نبود عوامل پیشران (مانند استعدادیابی افراد، در اختیار قرار دادن بودجه کافی، آموزش، حمایت‌های معنوی از افراد) برای سوق دادن استعداد و تلاش افراد بومی در بهره‌برداری از مراتع، بروکراسی شدید اداری، شفاف نبودن فرآیند (از مراحل اجرای طرح تا فروش محصول بدست آمده)^۱، عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و محلی از مراحل مختلف انتخاب و اجرای پروژه‌ها و اجرای ضعیف برنامه‌ها در زمان و مکان نامناسب اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۷).

ه- معیار فیزیکی

نتایج حاصل از مقایسه نظرات جوامع مختلف حاکی از آن است که بهره‌برداران حدود ۲۴/۳۲ درصد اختلاف دیدگاهی را با گروه کارشناسان اجراء مدیران و تسهیل‌گران دارند. بین جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ عوامل رضایت ناکافی از خدمات آموزشی و رضایت ناکافی از خدمات ترویجی اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۷: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع مختلف پاسخگو در معیار سیاستی نهادی

مشکلات	شاخص لاتیناویلکس آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی
برقراری ضعیف ارتباط بین نهادها برای اخذ تسهیلات	۰/۰۵۵	۰/۳۱۳
عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و محلی	۰/۰۵۹	۰/۰۱۷
نبود عوامل پیشران (مانند استعدادیابی افراد، در اختیار قرار دادن بودجه کافی، آموزش، حمایت‌های معنوی از افراد) برای سوق دادن استعداد و تلاش افراد بومی در بهره‌برداری از مراتع	۰/۰۸۶	۰/۵۸۸
بروکراسی شدید اداری	۰/۰۵۱	۰/۹۸۰
شفاف نبودن فرآیند	۰/۰۵۲	۰/۹۷۷
نامناسب بودن سواد و آگاهی و تسلط کارشناسان	۰/۰۵۱	۰/۹۷۸
اجرای ضعیف برنامه‌ها در زمان و مکان نامناسب	۰/۰۵۵	۰/۹۱۳

نهاد/انهادهای دولتی باید مراجعه کنند، از کدام نهادها می‌توانند خدمات (سوسپسید، وام، نهاده‌ها و غیره) بگیرند یا چطور برای بازار فروش اقدام کنند.

^۱ - شفاف نبودن فرآیند به این معنی است که برای اکثر بهره‌برداران مسیر اجرای شغل مکمل مبهم است. به عنوان مثال برای بهره‌برداران مشخص نیست که در جهت پیشبرد فرآیند به کدام

اختلاف دیدگاه در خصوص معیارها

نتایج حاکی از آن است که بهره‌برداران حدود ۵۰/۱۲ درصد اختلاف دیدگاهی را با گروه کارشناسان اجراء، مدیران و تسهیل‌گران دارند. بین جوامع مختلف پاسخگو از لحاظ معیارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی-سیاستی اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۸).

جدول ۸: عوامل مورد اختلاف نظر در دیدگاه‌های جوامع

معیارها	شاخص لانداویلکس	آماره F (۳/۱۷۴)	سطح معنی داری
اقتصادی	۰/۰۷۵	۰/۹۱۳	۰/۰۳۱
اجتماعی	۰/۰۷۰	۰/۶۵۰	۰/۰۴۷
فیزیکی	۰/۰۹۶	۰/۳۸۸	۰/۱۱۸
نهادی-سیاستی	۰/۰۵۱	۰/۹۸۰	۰/۰۰۰
انسانی	۰/۰۷۲	۰/۹۷۷	۰/۰۵۶

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد بین بهره‌برداران، کارشناسان، مدیران و تسهیل‌گران در معیارهای سیاستی نهادی و اقتصادی اختلاف نظر معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بهره‌برداران، مسائل نهادی-سیاستی را از عمده دلایل عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند درحالی‌که کارشناسان اجرایی و مدیران و تسهیل‌گران مسائل اقتصادی و اجتماعی را موضوع اصلی عنوان داشتند. در معیار اقتصادی بهره‌برداران و کارشناسان قویا بر این باور بودند که طرح‌های چندمنظوره برای خانوارها اقتصادی نبوده و از طرفی کارشناسان اجراء و مدیران عامل امنیت پائین شغلی و عامل بهره‌برداری مشاعی را دلایل مهم در عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند. حدود ۹۰ درصد بهره‌برداران عامل اصلی را اقتصادی نبودن طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند تا بهره‌برداری مشاعی. بهره‌برداران عامل مشاعی بودن مراتع را کم اهمیت در نظر داشتند. افتخاری و همکاران (۲۰۱۶) طی تحقیقی در زرنديه استان مرکزی در یک جمع بندی کلی به این نتیجه دست یافتند که مراتع دارای طرح دارای وضعیت بهتری نسبت به مراتع فاقد آن است، که شاید مهم‌ترین دلیل برتری مراتع دارای طرح نسبت به مراتع فاقد طرح، رعایت اصول مدیریتی مانند

زمان ورود و خروج دام، پراکنش مطلوب دام‌ها در مرتع و رعایت نسبی تعادل دام و مرتع در این مراتع است. لیکن عمده بهره‌برداران به دلیل هزینه‌های بالای زندگی، از شغل مرتعداری و طرح‌های چندمنظوره ناراضی هستند که با نتایج تحقیقات خلیلی و همکاران (۲۰۱۴) و حیدری و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارند که ادعان داشتند نوع اشتغال و درآمد سالیانه رابطه معنی داری با میزان همکاری بهره‌برداران در اجرای طرح‌ها و موفقیت آنها دارد. لذا بایستی پروژه‌های اشتغالزا و مکمل در طرح مرتعداری به گونه‌ای در نظر گرفته شوند که مرتعداری را ارزان و مرتعدار را دارا تر نماید. کارشناسان و تسهیل‌گران معتقد هستند تا زمانی‌که ثبات و دوام اقتصادی طرح‌های چندمنظوره برای بهره‌برداران محرز نباشد، نمی‌توانند خطر و سرمایه‌گذاری کنند. چرا که مطابق با نتایج تحقیقات رئوفی راد و همکاران (۲۰۱۶) آسیب‌پذیری اقتصادی بهره‌برداران به دلیل وضعیت اقتصادی و بالابودن هزینه‌های زندگی زیاد است.

در معیار نهادی-سیاستی نتایج حاصل از نظرسنجی بهره‌برداران نشان می‌دهد نبود عوامل پیشران (مانند استعداد یابی افراد، در اختیار قرار دادن بودجه کافی برای اجرای پروژه‌ها و تأمین نهاده‌ها، آموزش و حمایت‌های معنوی از افراد) برای سوق دادن استعداد و تلاش افراد بومی در بهره‌برداری از مراتع، عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و اجرای ضعیف برنامه‌ها در زمان و مکان نامناسب از مهم‌ترین موانع عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره بوده و موارد اختلاف دیدگاه بین دو جامعه پاسخگو در این راستا به میزان ۶۵/۳۲ درصد محاسبه شد. کارشناسان، مدیران و تسهیل‌گران معتقد بودند بروکراسی شدید اداری و شفاف نبودن فرآیند و مالکیت مراتع از عوامل مهم در عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره هستند. این نتایج موید نتایج تحقیقات بدری پور (۲۰۰۹) است که حضور مستمر کارشناسان و نظرسنجی از بهره‌برداران و استفاده از دانش بومی آنها را در اجرای موفقیت آمیز طرح‌های مرتعداری از جمله عوامل کلیدی معرفی می‌کند. مهربانی (۲۰۱۱) نیز عنوان داشته است که علت تخریب مراتع در تخریب روابط بین اجزاء کلان مدیریت و بهره‌برداران است. مطابق با نتایج تحقیقات خلیلی و قاسمی (۲۰۰۳) میزان آگاهی بهره‌برداران از اهداف و روش انجام

کار باعث می‌شود بهره‌برداران به اجرای طرح ترغیب شوند. مصاحبه‌های صورت گرفته در این بررسی نیز نشان داد بهره‌برداران در مورد روند اجرای طرح‌های چندمنظوره و مراجعه به نهادهای مرتبط اطلاعات و آگاهی لازم را ندارند که لزوم توجه بیشتر تسهیل‌گران در این موضوع را می‌طلبد. چرا که مطابق با نتایج تحقیقات اککلی^۱ (۱۹۹۱)، موانع اداری و ساختاری به عنوان موانع مشارکت جوامع محلی در اجرای طرح هستند و در این زمینه تسهیل‌گران لازم است با حضور در عرصه و یاری بهره‌برداران، روند اجرایی شدن طرح‌های چندمنظوره را تسهیل نمایند.

کارشناسان، مدیران و تسهیل‌گران معتقدند حمایت اندک متولیان منابع طبیعی از بهره‌برداران و ارتباط ضعیف بین کارشناسان و بهره‌برداران ریشه در بودجه و اعتبارات اختصاص یافته و همکاری سایر نهادها نیز دارد. در این زمینه نتایج سایر تحقیقات حاکی از وجود رابطه بین تخریب مستمر جنگل‌ها و مراتع و بهره‌برداری ناپایدار از این منابع با میزان اندک تخصیص بودجه برای اجرای پروژه‌های چندمنظوره از جمله کشت گیاهان دارویی، اختصاص بودجه برای تأمین نهاده‌ها و امکانات فرآوری محصولات و غیره دارد. عدم تحقق اهداف برنامه‌های حفاظت، اصلاح و احیاء مراتع مرتبط با کمبود بودجه و اعتبارات مرتبط و تخصیص دیر هنگام است (۳۵). خدمات حمایتی دولت و اجرای آن در زمان مناسب وابسته به بودجه و اعتبارات است. به عنوان نمونه بهره‌برداران شمال شرق استان گلستان اقدام دستگاه‌های دولتی در سم‌پاشی برای مقابله با هجوم آفات در مراتع را دیر هنگام عنوان کردند که آن هم بدلیل تخصیص و اعلام دیر هنگام بودجه است. به‌طوریکه سم‌پاشی مراتع تأثیر چندانی در دفع هجوم ملخ‌ها به مراتع نداشته است. با رفع مشکلات بودجه و اعتبارات، ارائه خدمات حمایتی و ترویجی از قبیل خرید وسائل و امکانات و تجهیز بخش اطفاء حریق، بذرپاشی، کودپاشی و سم‌پاشی در مراتع و غیره به صورت بهتر قابل ارائه خواهد بود (۳۶). میردلمی و همکاران (۲۰۱۷) و وسکوئیزآ و همکاران (۲۰۰۳) عنوان کردند حمایت‌های دولتی و دسترسی به اعتبارات دولتی و بانکی و تسهیلات می‌تواند در درآمد بهره‌برداران و تولید مراتع اثرات مثبتی داشته باشد.

نقطه‌ی اشتراک نظر بهره‌برداران و کارشناسان بر موضوعات زیست محیطی، انسانی و فیزیکی بوده است. به‌طوریکه عامل کمبود آب یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش ریسک اجرای طرح‌های چندمنظوره با رتبه‌ی متوسط ۷/۸ و عوامل انسانی و فیزیکی با رتبه متوسط ۳/۵ به عنوان عوامل کم اهمیت معرفی شدند. در مورد معیار زیست محیطی، کارشناسان و مدیران اجراء، عدم تعادل دام و مرتع و توقف طولانی مدت دام در مرتع را یکی از دلایل عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند در حالیکه بهره‌برداران این عامل را به عنوان یک دلیل کم اهمیت عنوان کردند. به نظر می‌رسد مطابق با نتایج تحقیقات همت زاده و خلیقی (۲۰۰۶) این عامل نیز ریشه در ناآگاهی بهره‌برداران از محاسن طرح‌های چندمنظوره دارد.

کارشناسان، مدیران، تسهیل‌گران و بهره‌برداران، جمعیت زیاد بهره‌بردار و متعاقباً تعداد زیاد دام را در تخریب مراتع و کاهش بیش از پیش توان مرتع، مهم عنوان کردند. بین ایندو گروه پاسخگو در خصوص مشکل مذکور، ۱۲/۰۶ درصد تفاوت نظر وجود دارد. تقریباً اکثر بهره‌برداران هم عقیده هستند که عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره به علت این است که دامداران بی‌بلاق و قشلاق ندارند و عمده‌ی بهره‌برداران سردرگم‌اند که مابقی ماه‌های سال را چگونه بدون مرتع و علوفه سپری کنند. از این‌رو ناچار به عدم رعایت زمان ورود و خروج دام و در نتیجه تخریب مرتع می‌شوند. مطابق با نتایج تحقیقات حیدری و همکاران (۲۰۰۹)؛ به‌ویژه در مراتع مشاعی و جمعی، مشکلات مدیریت هنگامی شروع می‌شود که تعادل دام و مرتع به هم خورده و هر بهره‌بردار سعی بر استفاده هر چه بیشتر از این منابع را داشته باشد. لازم به ذکر است بهره‌برداران به جمعیت زیاد بهره‌برداران به‌ویژه غیرذیحق اشاره داشته‌اند. به‌طورکلی بیش از ۵۰ درصد بین بهره‌برداران با سایر جوامع پاسخگو در مورد جمعیت بهره‌بردار و تعداد دام اختلاف نظر وجود دارد. این نشان‌دهنده داشتن اهداف متفاوت به ویژه بین بهره‌برداران (با هدف افزایش تعداد دام برای گذران زندگی روزمره و عدم اطمینان به جایگزین مناسب بودن طرح‌های غیر دامداری سنتی با سایر طرح‌های پیشنهادی) و کارشناسان اجراء و مدیران (با هدف کاهش تعداد دام و

1- Oakley

2- Vásquez

آموزشی و فرهنگ‌سازی را در بلوغ فکری جوامع درگیر برای پذیرش و اجرای طرح‌های چندمنظوره موثر می‌دانند. در این مطالعه بهره‌برداران رضایت ناکافی از خدمات آموزشی و رضایت ناکافی از خدمات ترویجی را از جمله دلایل عدم استقبال از طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند درحالی‌که کارشناسان اجرا این عوامل را رتبه متوسط ۴/۵ دادند و به صورت متوسط معرفی کردند چرا که دوره‌های آموزشی برگزار شده است. لذا به نظر می‌رسد دوره‌های آموزشی برگزار شده یا کافی نیست یا طبق اولویت‌های بهره‌برداران نبوده است.

به طور کلی می‌توان اذعان داشت اکثر کارشناسان، مدیران و تسهیل‌گران، عدم ثبات اقتصادی طرح‌های چندمنظوره و امنیت شغلی آنها به همراه مشاع بودن بهره‌برداری از مراتع، سطح نسبتاً پائین تعاون و همکاری بین بهره‌برداران یک سامان عرفی، بروکراسی شدید اداری و شفاف نبودن فرآیند و مالکیت مراتع را دلیل عدم عمده پذیرش طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند. در حالی‌که بهره‌برداران به ضعف مدیریتی کلان (از جمله نبود عوامل پیشران برای سوق دادن استعداد و تلاش افراد بومی در بهره‌برداری از مراتع) و نگاه مدیریتی از بالا به پائین (عدم تعامل و ارتباط کافی مسئولان با افراد بهره‌بردار و اجرای ضعیف برنامه‌ها در زمان و مکان نامناسب) از مهم‌ترین موانع عدم پذیرش طرح‌های چندمنظوره اشاره داشتند. این عوامل در کنار افزایش ورود بهره‌بردار غیرذیحق در مراتع، بی‌انگیزگی بهره‌برداران در حفاظت از مراتع را به دنبال دارد. لذا توصیه می‌شود هم از حیث مسائل تعاون و همکاری بین بهره‌برداران و هم از حیث بروکراسی اداری و شفاف نبودن فرآیند اولاً کلاس‌های آموزشی- توجیهی حسب نیاز بهره‌برداران برگزار شود که اهداف طرح و سودآوری آن برایشان محرز شود. ثانیاً بهتر است تسهیل‌گران که حلقه ارتباطی بین بهره‌برداران با نهادهای دولتی هستند، سازوکار اجرایی شدن طرح‌های چندمنظوره را به بهره‌برداران آموزش داده و مسیر اجرای طرح را تسهیل کنند (شفاف‌سازی فرآیند اجرای کار از ابتدا تا خاتمه‌ی یک طرح چندمنظوره) تا بهره‌برداران دچار سردرگمی در بروکراسی‌های اداری نشوند. طبق نظر والتاین^۲ (۲۰۰۱)

جمعیت بهره‌بردار برای برقراری تعادل دام و مرتع است که با مطالعات انجام شده توسط میردیلمی و همکاران (۲۰۱۷) در مراتع استان‌های گلستان و خراسان شمالی تطابق دارد. لازم است با برگزاری جلسات و اقدامات ترویجی، اشتراک نظرها مثلاً در خصوص دامپروری یا ایجاد و توسعه دامداری نیمه‌صنعتی و صنعتی بیشتر شود.

در مورد معیار اجتماعی کارشناسان اعلام کردند تعاون و همکاری بین بهره‌برداران در یک سامان عرفی برای اجرای طرح‌های چندمنظوره پائین است و این خود باعث عدم پذیرش می‌شود. مطابق با نتایج تحقیقات گلدراپ^۱ (۲۰۰۲) در دیدگاه جامعه شناختی، عوامل اجتماعی در شکل‌گیری مشارکت نقش بسزایی دارد. نکته قابل توجه، نظر متفاوت بهره‌برداران در ارتباط با تعاون و همکاری بین یکدیگر با کارشناسان بود که بهره‌برداران تعاون کم بین بهره‌برداران را دلیل عدم پذیرش طرح نمیدانستند و به علت نارضایتی از همکاری سایر نهادهای دولتی مرتبط منابع طبیعی مانند جهاد کشاورزی، امور آب و غیره از فعالیت‌های چندمنظوره نارضادی و در نتیجه استقبال نمی‌کنند. عدم پای کار آمدن سایر نهادهای مرتبط در سایر تحقیقات نیز اشاره شد از جمله میردیلمی (۲۰۱۵) از آن تعبیر به موازی کاری و بخشی‌نگری در مجموعه عوامل برون سازمانی نمود که منجر به ناکارآمدی مدیریت مراتع می‌شود. همت زاده و خلیقی (۲۰۰۶) نیز عنوان داشتند همیاری و تعاون دستگاه‌های ذیربط و بهره‌برداران عاملی مهم در مشارکت است و این وظیفه نهادهای دولتی است که این همیاری را شکل دهند و از طرفی در کنار آن از دانش بومی مردم منطقه استفاده کنند تا شرایط پذیرش و اجرای طرح‌های چندمنظوره محقق شود.

کارشناسان اجرا و بهره‌برداران در معیار انسانی وجود اندک معلم و امکانات پائین آموزشی در مرتع و نسبت کم افراد دارای سواد خواندن - نوشتن را یکی از دلایل عدم استقبال طرح‌های چندمنظوره عنوان کردند. آنها اذعان داشتند بهره‌برداران برای اجرای هر کار نو لازم دارند به خوبی فراگیرند و در حین کلاس‌های آموزشی نیازهای قدیم و جدید آنها مرتفع شود. این نتایج تأییدکننده تحقیقات جلالی و کرمی (۲۰۰۶) است که کلاس‌های

1- Gold drop

2- Valentine

مدیریت مرتع مشتمل بر اداره کردن و اعمال نظر در جهت دستیابی به نتایج مطلوب در رابطه با حیوان، گیاه، زمین یا درآمدهای اقتصادی است و به نظر می‌رسد طراحی و اجرای صحیح طرح‌های چندمنظوره می‌تواند گامی موثر در این راستا تلقی گردد.

سپاسگزاری
نگارندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از بهره‌برداران، کارشناسان و مدیران دستگاه‌های اجرایی و همچنین تسهیل‌گران در مراتع آزادشهر و گنبد به خاطر همکاری و همراهی آنها تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Adak, N., A. Arzani & SM. Heshmatol vaezin, 2018. The roles of beekeeping in increasing the income of range manager (Case Study: Zhiwar village in Kurdistan). *Journal of Rangeland and Watershed Management*, 1(71): 1-10. (In Persian)
2. Alizadeh, A., M. Bigdeli & H. Moenaldin, 2004. Result of Range management plans evaluation in the country, proceeding of the 2rd National conference on range and range management, Research Institute of Forest and Rangelands, Tehran, Iran, 208-229pp. (In Persian)
3. Amrollahi, A. & A. Zare., 2000. Investigating plants diversity in tree grazing intensities (inclusure, moderate and high grazed area). *Rangeland and Forest Journal*, 4 p. (In Persian)
4. Anonymous., 2000. Iran's rangeland management evaluation. Forest, Rangeland and Watershed Management Organization, Rangeland Technical Buerea, 1ed. (In Persian)
5. Ariapour, A., H.R. Mehrabi & A. Dehpahlavan, 2016. Effects of range reclamation projects on forage production, condition and trend in Khezal rangeladns, Nahvand region. *Rangeland*, 1(10): 1-10 (In Persian).
6. Arkhi, S., 2001. Investigation effective factors on lack of participation rangeland in range reformation and rehabilitation ranges, the proceeding of the second national seminar on rangeland in Iran, Tehran University, 107p. (In Persian)
7. Arzani, H., M. Borhani & N. Charehsaz, 2016. Marateh Jahan, Forests, Range and Watershed Organization of Iran, 360p. (In Persian)
8. Badripour, H., 2009. The role of people in rangeland. 4th National Conference of Range and Range Management in Iran. Karaj, 11 November, 414 p. (In Persian)
9. Domehri, R., M. Jafari & H. Arzani, 2001. An investigation of range management plan in case of suitable plan for rangeland improve, proceeding of the 2rd National conference on range and range management, Research Institute of Forest and Rangelands, Tehran, Iran, 149-157pp. (In Persian)
10. Eftekhari, A., 2011. Investigate and comparing of management kind effect on rangeland condition (Case study: Zarandie, Saveh rangeland. Ph.D. Thesis in Range Management course, Islamic Azad University of Research and Science branch, Tehran. (In Persian)
11. Eftekhari, A., H. Arzani, E. Zandi Esfahan & E. Alizadeh, 2016. Effect of range management plan on range condition (Case study: Zarandieh region, Markazi province). *Iranian Journal of Rangeland and Desert Research*, 23(2): 218-209. (In Persian)
12. Eskandari, N., A. Alizadeh & F. Mahdavi, 2008. Rangeland management policies in Iran. Rangeland Technical bureau, Ponneh Press, 188 pp. (In Persian)
13. Fadai, Sh., 2006. Evaluation suitability of rangelands in terms of beekeeping (Case study: Central Taleghan rangelands). Master's thesis. Range Management. Department of Natural Resources. Tehran University. (In Persian)
14. Farazmand, H. Arzani, S. A. Javadi & A. A. Sanadgol, 2019. Rangeland suitability of Gilizjand watershed for tourism and recreation. *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 26(1): 187-200. (In Persian)
15. Ghaemi, M., 2003. Evaluation of range management projects effect and privatization to users to rangeland improvement (Case study; Gharbi Azarbayjan-Salmas Sarhlan). *Journal of Iranian rangeland and desert research*, 10(11): 153-167. (In Persian)
16. Gold drop, J., 2002. Sociology of third world countries, Translation: Taurian, J., Astane Ghods Phblication.
17. Green, S.B., N.J. Salkind & T.M. Akey, 2008. Using SPSS for Windows and Macintosh: Analyzing and understanding data. New Jersey: Prentice Hall.
18. Hematzadeh, Y. & N. Khalighi., 2006. Effective factors survey on lake of participation of users in pasture and watershed management design (case study: User of Kchik reagent sphere in Golestan province). *Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*, 13(4): 88-100. (In Persian)
19. Heydari, G., H. Barani, G. Khoshfar, J. Ghorbani, M. Aghili & M. Mahboobi, 2009. The role of social wealth on participation in performing pasteurizing projects based on the points of views of their applicants (Case study of Balade pastures North of Iran. *Pasture Magazine*, 3(1): 121-137. (In Persian)

20. Heydari, Q., H. Barani, S. M. Aghili, J. Ghorbani & M.R. Mahboobi, 2011. The relationship between the support services and extension and participation of ranchers in rangeland restoration (Case study: Baladeh rangelands, north of Iran). *Journal of Water and Soil Conservation*, 17(4): 47-65. (In Persian)
21. Hunt singer, L. & P. Hopkinson., 1996. Viewpoint: Sustaining rangeland landscapes: a social and ecological process. *J. of Range Management* 49: 167 – 173.
22. Jalali, M. & A. Karami., 2006. Determining the factors affecting the participation of farmers in rangeland corporation of Kurdistan Province. *Animal Science Journal*, 19(1): 1-35. (In Persian)
23. Kamrani, K., H. Arzani, A. Javadi & R. Azizinejad, 2018. Investigating the effects of range management methods (Balanced, Natural and Artificial) on range management (Case study of Gazanak Amol Rangelands. Haraz River Basin), 25(4): 748-760. (In Persian)
24. Karimi, K. & E. Karamidehkordi., 2016. Exploring the factors affecting imbalance of livestock numbers and rangeland carrying capacity and evaluating the impacts of range management projects on forage production: A case study in the Mahneshan Township. *Rangeland*, 10(1): 11-26. (In Persian)
25. Karimian, A.A., H. Barani, M.R. Mahboubi & F. Yaghmaie, 2008. Investigation some reasons of successful and failure of grazing systems in range management plans, Case Study: Range management plans prepared for winter rangelands in Semnan Province. *Rangeland*, 3(2): 217-231.
26. Khaksari, A.M., 2010. Investigation of range management projects effect to prevention of desertification in semi-arid region of Mian rood Toyserkan County. Ms.c. Thesis, Rangeland department, college of Agriculture and Natural resources, University of Tehran. (In Persian)
27. Khalili, V., J. Mahmoudi, Sh. A. Gholami & M. R. Nazadri, 2014. Factors affecting the rate of participation of beneficiaries in the implementation Range Management Plan (case study of summer pastures Vazroud area). *Journal of Natural Ecosystems of Iran*, 5(2): 105-113. (In Persian)
28. Khalili, V., J. Mahmoudi, Sh. Gholami & N. Gilani pour, 2012. Investigation individual factors effecting participation of rangers at performance of rangeland management plans (Case study: mountainous rangelands of Vaz catchment of Noor twon). 11th National Conference of Strategies for Achievement to Sustainable Development, 4 p. (In Persian)
29. Khaliq, N. T. M., H. Ghasemi, 2003. Survey to evaluate participation in the projects of rangeland. Abstracts of the Second National Conference, Chach Institute of Tehran University Press: pp. 90-102. (In Persian)
30. Khosravi, N. & M. Fall Soleiman., 2016. Review and evaluation of the economic and social effects of rangeland projects (Case study: Southern Khorasan Province), 11th National Conference on Watershed Management in Iran. (In Persian)
31. Living, I. & D. Stine, 1987. The common property and pastoral behavior/IAAE-occasional-paper-International-Association of Agricultural Economics. pp 364-369.
32. Loos, B.P. 1993. Morphological variation in *Lolium* (Poaceae) as a measure of species relationships. *Plant Systematics and Evolution*, 188: 87-99.
33. Lynam, T. & M.S. Smith., 2003, Monitoring in a complex world: seeking slow variables, a scaled focus and speedier learning. *African Journal of Range and Forage Science*, 21: 69-78.
34. Mehrabi, A. A., 2011. Basic issues of sustainable rangeland management in Iran. Papers of the Sustainable Rangeland Management Conference in Iran. Department of Agricultural Sciences, Tehran Academy of Sciences. (In Persian)
35. Mirdeilami, S. Z., A. Sepehry, H. Barani & E. Moradi, 2017. Investigating the similarity and dissimilarity of public and private stakeholders viewpoints in Iran's rangeland management system. *Strategic Research Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*, 2(2): 175- 188. (In Persian)
36. Mirdeilamy, S. Z., 2015. Diagnosis of Iran's rangeland management system problems (Case study: Golestan and North Khorasan Provinces). Ph.D. in Rangeland Sciences, 262p. (In Persian)
37. Mosavi nejhada, A., 1997. Investigation of management effect on condition, trend, production and capacity of rangeland in Semnan province. Ms.c. Thesis, Rangeland department, college of Agriculture and Natural resources, University of Tehran. (In Persian)
38. Nathan, F.S., 2004. Viewpoint: The Need for Qualitative Research to Understand Ranch Management. *Journal of Range Management*, 57: 668- 674.
39. Oakley, P., D. Marsden & Y.B. Malla, 1991. Projects with people: the practice of participation in rural development, International labor organization, Geneva, 77p.
40. Office of Rangeland Affairs. 2014. General information of Iran rangelands to the end of 2013 (rangelands classification, rangelands audit, rangeland plans, performance and credits). Organization of Forests, Rangelands and Watersheds of the Country, 13 p.

41. Quinn, CH., M. Huby, H. Kiwasilla & J.C. Lovett, 2007. Design principle and common pool resource management: An institutional approach to evaluating community management in semi-arid Tanzania. *Journal of Environmental Management*, 84:100-113.
42. Rahimi Soreh, S. & H. Sadeghi., 2005. Calculation and analysis of factors in proficiency Rangeland production projects have been assigned (private rangeland). Provinces of Khorasan, Yazd and West Azarbaijan. *Journal of Agricultural Economics & Development*, 52: 31-65. (In Persian)
43. Rangeland Technical Office, 2003. Balance of range and livestock plan. Organization of Forest and Rangelands, Tehran, 62 P. (In Persian)
44. Raufirad, V., G. Heidari, G. Azadi & J. Ghorbani, 2016. Socio-economic vulnerability assessment of rangeland's users: The case of highlands of Natanz County, Isfahan. *Rangeland*, 10(3): 348-363. (In Persian)
45. Riggs, T.J., 1973. The use of canonical analysis for selection within a population of spring barley. *Annals of Applied Biology*, 74: 249-258.
46. Sadeghi, H., F. Sharifi, A. Frootan & M. Rezaei, 2004. Quantitative Evaluation of Watershed Management Activities (Case Study: Caspian Basin), *Quarterly Journal of Research and Development*, Seventh. *Quarterly Journal*, 3: 96- 102. (In Persian)
47. Sardari, M., 1999. Investigation of different methods role in utilization and management of rangeland condition in Chahar Mahal o Bakhtiari rangelands. M.Sc. Thesis, Rangeland department, college of Marin and Natural resources, University of Tarbiat Modarres. (In Persian)
48. Sayari, A. & S. Khalilian., 2002. Economic Analysis of assigned rangeland plans of east Azarbayejan (Case study: Mianeh Twon). *Iranian Journal of Range and Desert Research*, 9(1): 29-30. (In Persian)
49. Shamekhi, T. & S. M. Mir Mohammadi, 2012. Challenges of Iranian forests and rangelands and suggestions for problems solving. Strategic Research Center, Department of Economic Research. Strategic Report, 150: 31-41. (In Persian)
50. Shamsoddini, A. & S. Khalilian., 2000. Economic Analysis of rangelands in rangeland management plans framework (Case study: Fars province, Mamasani city). *Journal of Agricultural Economic and Development*, 30: 145-170. (In Persian)
51. Struwig, F. & G. B. Stead., 2001. Planning, designing and reporting research. Pearson Education South Africa.
52. Tahmasebian, S., M. Hamidian, M. Saghari & M. Momeni, 2014. User cooperation barrier in range management project (Case study: Ilam province, Malekshahi county users). *Rangeland*, 1(1): 77-93.
53. Valentine, J.F., 2001. *Grazing Management*. Second Edition, Academic Press, USA, 659 pp.
54. Vásquez-León, M., C. T. West & T. J. Finan, 2003. A comparative assessment of climate vulnerability: Agriculture and ranching on both sides of the U.S.–Mexico border. *Global Environ. Change*, 13: 159–173.
55. Warner, R.M., 2013. *Applied Statistics: From Bivariate Through Multivariate Techniques*, SAGE Publications.